**بسم ربّنا الاقدس الاعظم العلی الابهی**

 حمد مقصود امکان را که در بحبوحه احزان رآیة بیان بر افراخت شرذمه ذئاب اولیائش را از تقرّب منع ننمود و از ذکر و ثنا باز نداشت منکر اهل ظلم و طغیان او را از اظهار معروف صد نکرد و مفتریات کاذبین و خیانت خائنین مابین صدق حایل نگشت جلّ جلال ربّنا و عظم سلطان مالکنا و مقصودنا و التکبیر و البهاء علی ایادی امره و اعلام هدایته و علی الذین ینصرونه بالحکمة و البیان و بما انزله فی الزبر و الالواح. یا محبوب فؤادی و المذکور فی قلبی در این حین در جواب نامه آن حضرت که به حضرت اسم جود علیه بهاء الله و عنایته ارسال نمودند این آیات باهرات از مالک ملکوت اسماء و صفات نازل قوله تبارک و تعالی:

هو الناطق فی بحبوحة البلایا یا حیدر قبل علیّ علیک بهائی و عنایتی عدل و راستی غائب و مستور به شانی که اثری از آن مابین قوم مشهود نه، آفاق سماء صدق از ظلمت اهل نفاق تاریک. اکثری از احکام دوائر منسوبه به ایران بغیر ما حکم به العدل و الانصاف بوده و هست جز زخارف مقصودی نه در لیالی و ایام به نهب و غارت مشغول. امور آستانه طرّا به مشورت مدّعیان جاری و ساری آنچه اخذ شد به صاحبش رد ننمودند در ظاهر موافق در باطن منافق مشاهده گشتند، جز اخذ مال آمالی نداشته و ندارند سبحان الله آیا چگونه راضی می شوند که در محکمه عدل بزعمهم حرفی از صدق و عدل اصغا نشود باری اصفهانی را دست آویز نموده به تاراج شیرازی مشغول در حضور کمال حرمت منظور و در غیاب به تدبیر و تهمت ولکن المظلوم کان قائما ناطقا سامعا یسمع و یعلم و یصبر الی ان یاتی الله بامره المحکم المتین. این امورات مذکوره را شانی نبوده و نیست ولکن خبر صعود بعضی از اولیاء بر حسب ظاهر سبب احزان گشته در یومی از ایام خبر صعود جوهر وجود در پیشگاه حضور مذکور و در یوم بعد خبر صعود طیر عرفان الی سماء عنایة ربّه الرحمن امّا الاول فهو نبیل ابن نبیل علیه بهاء الله العزیز و الجمیل و الثانی احد علیه بهاء الله الفرد الصمد و در این حین مخصوص ثانی نازل شد آنچه که عالم معانی را منّور نمود و ملکوت بیان را به طراز جدید مزیّن داشت فضلا من لدی الله رب العالمین و عنایةً من عند الله مالک یوم الدین و رحمة من لدی الفضّال فی هذا الحین المنیر. یا حیدر قبل علیّ علیک بهائی الابدی کبّر من قبل علی من طار فی هواء حبی و شرب رحیق العرفان من کاس عطائی و قام بالاستقامة الکبری علی خدمتی ثم اقرء له ما نُزِّلَ من سماء مشیّتی فی ذکر اخیه الذی سُمِّی باحد فی کتاب الاسماء و بعبدالبهاء فی الصحیفة الحمراء من القلم الاعلی. عنایت الهی و فضل سبحانی درباره جناب علیّ قبل حیدر به مثابه آفتاب مشرق و لائح طوبی له و نعیما له، له ان یشکر الله بهذا الفضل المبین. بر خدمت قیام نمود و خدمتش به طراز رضا و عزّ قبول فائز این کلمه سلطان کلمات و ملیک بیان است که ذکر شد بشّره بما نزّل له من لدی المظلوم الذی به نطقت الاشیاء قد اتی المالک الملک و الملکوت و العزّة و الجبروت له و لمن تمسّک بحبله المتین و تشبّث بذیله المنیر. انتهی

 لله الحمد و الشکر و له الجود والعطاء و له الفضل و البهاء اوست فضّالی که عوالم احزان را به نور بیان به فرح تبدیل نمود و قلوب را اطمینان و روان را آسایش بخشیده روح العالم لبیانه الفداء و لفضله الفداء در هیچ حالی از احوال اولیای خود را محروم ننموده عنایاتش از کاس و قدح گذشته بحر بحر نازل و ظاهر از حقّ جلّ جلاله می طلبم اهل ارض را طلبی صادقانه عطا نماید تا کل محروم نمانند و از عطایای ذوالعطا ممنوع نگردند. لا زال لحاظ فضلش به اولیایش متوجّه و رحمتش سبقت گرفته و عطایش احاطه نموده جلّ فضله و عزّ فیضه و لا اله غیره یوم قبل مولی الوری از عکّا به حیفا توجّه فرمود و در شب وارد و صبح آن یوم این خادم را احضار فرمودند و یک لوح اعزّ امنع اقدس در ذکر صعود اعزّ امجد مرحوم مرفوع جناب آقا احد علیه بهاء الله و رحمته نازل حبّذا نفحاته و فوحاته و ما ظهر من ظاهره و حزن فی باطنه بشانی لوح مبارک نازل که حاضرین بل افئدۀ غائبین را جذب فرمود هنیئا لمن نزّل باسمه ما نزّل و مریئا له. فی الحقیقه یوم یوم موتست چه که رحمت الهی از هر جهتی احاطه نموده و موقنین و مخلصین فائز شده و می شوند به آنچه که شبه و مثل نداشته و ندارد. هر حرفی از حروفات منزله سبب حیات ابدی و بقاء سرمدی است این مقام را خود آن حضرت می دانند و به آن عارفند و این عبد با حسرت لا نهایه و اسف بی اندازه خدمت حبیب روحانی جناب آقا علیّ حیدر علیه بهاء الله و عنایته ذکر و ثنا و تکبیر و بهاء می رسانم آن حضرت باید از قبل این خادم انچه سزاوار است مذکور دارند فی الحقیقه در این مقام نمی توان ذکر تعزیت نمود چه که از قلم الله دربارۀ جناب مرفوع علیه رحمة الله و غفرانه نازل شده انچه که فوز فوق فوز و رحمت فوق رحمت و عنایت فوق عنایت است یا لیت کنت معه و فزت بما فاز به من لدی الله ربّنا و رب العرش العظیم و الکرسی الرفیع.